



رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور به «بغداد» رفت تمرکز روی کانون ریزگرد در غرب عراق

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور برای رایزنی درباره ریزگردهایی که از سمت عراق وارد ایران می شود به بغداد رفت. سدسازی های کشور ترکیه روی دجله و فرات، سوریه و عراق را به کانون بحرانی ریزگردهای منطقه تبدیل کرده است. این ریزگردها نفس کشیدن را برای بخش بسیار زیادی از شهروندان ایرانی سخت کرده و حتی به مرگ تعدادی از شهروندان سوری و عراقی منجر شده است. سدسازی ترکیه در پروژه «گاب» به این شرایط سخت و مخاطره آمیز دامن زده است.

«ایران» از مثبت و منفی های طرح مجلس برای ایجاد تعادل در تعیین مهریه گزارش می دهد

پایان مهریه های نجومی

تا ۱۴ سکه بدون حق ثبت **<** از ۱۴ تا ۱۰۰ سکه **<** ۲ درصد حق ثبت **<** ۱۰۰ تا ۲۰۰ سکه **<** ۱۵ درصد حق ثبت

صفحه ۲۲ را بخوانید



فرماندار ویژه آبادان در گفت و گو با «ایران»:
به تخلفات همه مقامات از جمله استاندار سابق خوزستان پله به پله رسیدگی می شود

مجوزهای طلایی استاندار سابق خوزستان به سازنده متروپل

گزارش تخلفات استانداری خوزستان اردیبهشت ۱۴۰۰ از سوی مجلس به قوه قضائیه ارائه شد

متروپل در روز هشتم

ادامه عملیات تاپیدا کردن آخرین نفر

عملیات آواربرداری و جست و جوی ناپدیدشدگان در حادثه ریزش ساختمان متروپل در حالی با گذشت ۸ روز همچنان ادامه دارد که استاندار خوزستان از ادامه عملیات جست و جوی تا بیرون آوردن آخرین نفر خبر داد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز دوشنبه دوم خرداد برج ۱۰ طبقه متروپل در خیابان امیرکبیر آبادان فروریخت و ده ها نفر کشته و ناپدید شدند. با گذشت ۸ روز از این ماجرا عملیات آواربرداری و جست و جوی برای یافتن افراد احتمالی گرفتار در زیر آوار با حساسیت ادامه دارد.

۳ بازیکن ملوان در گفت و گو با «ایران» مطرح کردند

رمز وراز پرواز قوی سپید به لیگ برتر



۲ فوتی و ۳۲ بیمار بستری

دیروز ۲ رکورد کرونایی پس از گذشت ۳ سال و ۳ ماه از شیوع پاندمی در کشور شکسته شد. اولی مربوط به آمار فوتی ها بود که برای نخستین بار از شیوع کووید ۱۹ فوتی های روزانه کرونا در کشور به ۲ نفر رسید، دومی هم مربوط به کاهش بی سابقه تعداد بیماران بستری بود به طوری که از ۱۷۵ بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹ تنها ۳۲ نفرشان بستری شدند. طبق اعلام مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طی ۲۴ ساعت منتهی به روز گذشته در همه استان ها به جز تهران و گیلان، مرگ و میر صفر گزارش شده است.

دور کوربی در سابقه کرونایی در کشور

۸ میلیارد نخ سیگار، ۷ میلیارد مترمکعب آب را نابود می کند

دود شدن منابع آبی باته سیگارها

۸ میلیارد نخ سیگار، می تواند حدود ۷ میلیارد مترمکعب آب را برای همیشه از بین ببرد که این میزان آب ۷ برابر نیاز آب مردم تهران در یک سال است



در راسته معجون فروشان خیابان وحدت اسلامی مغازه ای هست که در سال های ۶۰ شروع به کار کرده؛ فروشگاه ای به نام «علی بابا» که هنوز هم برپاست و مشتری های ثابت خودش را دارد و یکی از شلوغ ترین فروشگاه های این راسته است. آن طور که مغازه داران می گویند، بعد از استقبال خوب مردم از این فروشگاه، آنها هم یکی یکی به این راسته پیوستند تا به امروز که بیش از ۲۰ فروشگاه معجون فروشی در کنار هم کار می کنند



باشند ولی جنس خوب به مردم ندهند؟ باید بروند استراحت کنند و با انرژی، کار خوب دست مشتری بدهند»

بعد از تمام شدن حرف های صاحب مغازه که در میانه کشیدن کارت از مشتری های صف کشیده است، کارگران مغازه از نظافت پیاده روها می گویند: «پیاده رو را سالی یک بار هم نظافت نمی کنند.» کارگر دیگری خودش را از پشت پیشخوان جلو می کشد و می گوید: «اگر می خواهی چیزی بنویسی از این بنویس که تابستان ها بوی بدی در پیاده روی می پیچد که افاضح است.»

کارگر دیگری می گوید: «این سطل آشغال هایی که اینجاست در نمارد و باز است و وقتی آفتاب می زند بوی زباله پخش می شود. یک مشکل دیگر این است که بعضی از چلوکبابی های این اطراف اضافه غذا را بدون اینکه وارد کیسه زباله کنند می ریزند که تابلستان ها بوی بدی در پیاده روی می پیچد که افاضح است.»

راهی ورزش می شوند. از دور، نورهای نئون شیر پیسته و معجون روی سنگفرش کثیف را روشن می کند.

به مغازه دیگری می روم. صاحب مغازه مردی میانسال است که سال ها مغازه اغذیه فروشی داشته و بعد از اینکه دود روغن سوخته معده و دستگاه تنفس اش را دچار آسیب کرده، تصمیم گرفته مانند دیگر همشهریان راهی این راسته شود و معجون فروشی راه بیندازد: «اوضاع بد نیست ولی جنس گران است و ما الان با ضرر می فروشیم. منتظریم همه باهم تصمیمی بگیریم که چه بکنیم که نه مشتری از دست بدهیم و نه ضرر کنیم. الان که معجون ۵۰ هزار تومان است، ما بستنی را کیلویی ۲۳۰ هزار تومان خریده ایم اما الان شده ۲۲۰. بقیه اجناس هم گران شده است و ما به قیمت قدیم می فروشیم. در کنار بستنی، آجیل و شیر هم گران شده، حتی ظرف هم گران شده.»

یکی از خواسته های او که اصرار دارد در این گزارش از آن حرف زده شود، این است که به این راسته اجازه فعالیت بیشتری بدهند: «با این وضعیت لاقل بگذارند ما بیشتر کار کنیم نه اینکه ساعت یک شب بگویند تعطیل کنید. الان میدان آذری تا چهار صبح کار می کنند ولی ما باید ساعت یک ببندیم. اداره بهداشت یک روز در میان می آید و دنبال ایراد می گردد.

آب دارم، دستشویی دارم اما می گویند باید زود تعطیل کنید در حالی که اغذیه فروشان دوره گرد میدان آذری بدون هیچ رعایت بهداشتی تا چهار صبح کار می کنند. کاسبی صنف ما از عصر تا شب است، هرچه از شب بگذرد کاسبی بهتر می شود. با این حال اگر یک ربع دیر بندی، ۱۰ روز پلمب می شوی. امیدوارم حاقل پنجشنبه و جمعه را ارفاق بدهند تا دیروقت بازش باشیم.»

او تاکید دارد که بعد از سال ها در این خیابان فرهنگ غذاخوری و شب بیداری جا افتاده است و محله شاپور مانند سابق نیست: «از ۱۰۰ درصد یک درصد هم آدم خلافتکار این درو رو بر نیست. جو اینجا واقعا خانوادگی است.»

به قدم زدن ادامه می دهم و این بار چشمم به قاشق های پلاستیکی و دستمال کاغذی و نی هایی می افتد که زیر میزها رها شده اند. هرچه جلوتر می روم بیشتر و بیشتر می شود، انگار برای کسی اهمیت ندارد که این همه زباله کف خیابان رها شده است. کفپوش خیابان هم سیاه شده و به نظر مدت هاست شسته نشده است. وارد مغازه دیگری می شوم. صاحب مغازه از سردرگی مشتری برای جای نشستن ناراحت است: «استاد کرونا می گویند نباید مشتری داخل بنشیند، شهرداری هم می گوید اجازه ندارید بیرون صندلی بگذارید.» او هم از ساعت



گشتی در راسته معجون فروشان قدیمی تهران

خیابان ویتامین

محمد مصومیان گزارش دویس

ثابت خودش را دارد و یکی از شلوغ ترین فروشگاه های این راسته است. آن طور که مغازه داران می گویند، بعد از استقبال خوب مردم از این فروشگاه، آنها هم یکی یکی به این راسته پیوستند تا به امروز که بیش از ۲۰ فروشگاه معجون فروشی در کنار هم کار می کنند. یکی از نکات جالب این راسته اردبیلی بودن بیش از ۹۰ درصد از صاحبان مغازه هاست. رضا که ۲۰ سال است در این راسته کار می کند با خنده می گوید: «عکس علی دایی را در همه مغازه ها می بینی؟ این نشانه اردبیلی بودن ماست. نزدیک نود درصد ما اهل یک شهر و فامیل هستیم.»

با اینکه بیشتر آنها فامیل هستند اما به نظر می رسد که ترکیب معجون های شان یکسان نیست چون بعضی از مغازه ها شلوغ تر از روی صندلی روبه روی یکی از مغازه های شلوغ نشسته اند، می گویند: «ما اهل منیره به نیستیم اما از بیجگی اینجا می آیم، تقریباً همه مغازه ها را امتحان کرده ایم حتی بعد از تغییر مدیریت بعضی و به این نتیجه رسیدیم که اینجا بهتر از بقیه است.» دوست دیگرش می گوید: «البته همه قضیه بسیارند.»

در راسته معجون فروشان خیابان وحدت اسلامی مغازه ای هست که در سال های ۶۰ شروع به کار کرده؛ فروشگاه ای به نام «علی بابا» که هنوز هم برپاست و مشتری های

فقط کیفیت نیست، آدم بعد از سال ها دیگر احساس رفاقت می کند یا فروشنده ها و دلش می خواهد جای ثابت خودش را داشته باشد.»

در خیابان قدم می زنم. نکته جالبی که به چشم می آید نام فروشگاه هاست که همه با «بابا» شروع می شوند: «بابا حیدر»، «بابا کوهی»، «بابا مرتضی»، «باباجون»... و انگار همه سعی کرده اند از همان کلیشه اول پیروی کنند.

وارد یکی از مغازه ها می شوم. پسر جوانی پشت دیواره شیشه ای از پاتیل های پر از پسته، مسقطی، ژله، کنجد و گردو مشغول درست کردن معجون در ظرف است. خیلی سریع و حرفه ای مشغول قاطی کردن است و همین طور که کار می کند در جواب سؤالاتم یک جواب واحد می دهد: «خدا را شکر کاسبی خوب است.» او از شلوغی آخر هفته ها می گوید و البته کم شدن نسبی مشتریان به خاطر گرانی قیمت ها: «روزهای وسط هفته کمی افت مشتری داریم اما آخر هفته ها همچنان شلوغ است.»

زوج های جوان درحال راه رفتن و نگاه کردن به منوها هستند. خانواد های